

مقاله پژوهشی

کاربست رویکرد اقتصاد سیاسی برای تحلیل بحران‌های ژئوپلیتیکی و نیل به همگرایی منطقه‌ای در خاورمیانه

اسماعیل مکرمی^۱، حیدر لطفی^۲، مجید ولی شریعت پناهی^۳، علی اصغر اسماعیل پور روشن^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

چکیده: خاورمیانه منطقه‌ای بحران خیز در ابعاد مختلف سیاسی، سخت افزاری و نظامی، اجتماعی- فرهنگی و البته اقتصادی است. طبیعتاً پژوهش‌های زیادی نیز در مورد این بحران‌ها و تبیین آن‌ها از زوایای مختلف انجام شده است. هدف اصلی پژوهش حاضر تحلیل و بررسی مشخصات اقتصادی سیاسی بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه از نگاه متخصصان جغرافیای سیاسی می‌باشد. سوال اصلی پژوهش این است که مهم‌ترین مشخصات اقتصادی سیاسی بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه از نگاه متخصصان جغرافیای سیاسی کدام‌اند؟ روش پژوهش به لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ ماهیت اکتشافی است و برحسب نتیجه، پژوهشی توسعه‌ای است. به منظور شناسایی مشخصات بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه از روش فراتحلیل از نتایج ۱۳ پژوهش شناسایی شده در ایران استفاده خواهد شد. نتایج فراتحلیل این پژوهش‌ها به شناسایی مشخصات بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه منجر خواهد شد.

واژگان اصلی: خاورمیانه، بحران، بحران‌های ژئوپلیتیکی، مکتب کپنهاگ.

۱ دانشجوی دکتری گروه جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

۲ دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. (نویسنده مسئول).

d.lotfi.garmsar023@gmail.com

۳ دانشیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران.

۴ استادیار گروه جغرافیای سیاسی، واحد یادگار امام خمینی (ره) - شهر ری، دانشگاه آزاد اسلامی، شهر ری،

ایران.

مقدمه

منظور از متغیرهای جغرافیایی مولفه‌هایی مانند وسعت، شکل، موقعیت، وضع کالبدی، ناهمواری‌ها، منابع آب، پوشش گیاهی، اقلیم و غیره است. دو جزء اصلی علم جغرافیا انسان و محیط هستند (اخباری و نامی، ۱۳۸۸). فعالیت‌های انسان حاصل ترکیب ابعاد فیزیکی و طبیعی است و این دو عنصر با توجه به ویژگی‌های خود بر هم تاثیر گذارده و از هم متاثر می‌شوند. علم جغرافیای سیاسی به مثابه یکی از شاخه‌های مهم جغرافیای انسانی علم مطالعه واحدهای مشکل سیاسی و فرایندهای سیاسی است (اعظمی، ۱۳۸۵). سازوکار سیاسی در بستر سرزمین، روابط گروه‌های سیاسی در چارچوب بنیادهای کالبدی حتی اتخاذ سیاست‌های مبتنی بر واقعیت-های کالبدی که با عنوان ژئوپلیتیک در جهان امروز متداول گشته، در چارچوب مطالعات جغرافیای سیاسی قرار دارد (حافظ نیا، ۱۳۸۵). ژئوپلیتیک بر آن بخش از علم جغرافیا تاکید می‌کند که با قدرت و سیاست پیوند می‌خورد. از این رو می‌توانیم ژئوپلیتیک را به عنوان بخشی از علم جغرافیا، که به مطالعه وسعت فضایی - کالبدی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه‌های سیاست ملی و بین‌المللی می‌پردازد بدانیم (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۲۲).

جغرافیدانان جغرافیا را اصلی‌ترین عامل قدرت ملی تلقی کرده‌اند. گلدستین در بین منابع قدرت بر جغرافیا و موقعیت ژئوپلیتیکی کشور تاکید می‌کند و می‌گوید که مهم‌ترین ملاحظات سه گانه منزلت واقعی یک کشور عبارتند از: موقعیت، موقعیت و موقعیت. برخی موقعیت کالبدی یک کشور را مهم‌ترین رکن قدرت ملی آن کشور به شمار آورده‌اند. برخی از این هم فراتر رفته و گفته‌اند که سیاست هر کشور را جغرافیای آن کشور تعیین می‌کند (روشندل، ۱۳۷۴: ۷۱). کوهن معتقد است که به وسیله جغرافیاست که می‌شود واقعیت‌های سیاسی را به درستی ارزیابی کرد. این سیمای کالبدی است که اساس درک نقشه سیاسی کنونی و پیش بینی تغییرات احتمالی آینده را برای ما فراهم می‌سازد. بنابراین نقشه سیاست کالبدی بیشتر از نقشه سیاسی با واقعیت هماهنگ است (حافظ نیا، ۱۳۸۱). بنابراین قدرت از مولفه‌های کالبدی سرچشمه می‌گیرد. این موضوع در رابطه با استراتژی کاملاً آشکار است و در مورد سیاست و اقتصاد بین‌الملل نیز تا اندازه‌ای چنین است. بنابراین برای فهم نقش قدرت در جهان ابتدا باید با مولفه‌های کالبدی سیاسی آشنا شد (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۸۵) در دنیای امروز از جنبه سیاسی و امنیتی به جغرافیا نگریسته شده و کشورها سعی دارند از سرزمینشان برای ارتقای امنیت، کسب قدرت و تامین منافع ملی نهایت استفاده را ببرند- (حافظ نیا، ۱۳۸۵). طبیعت (جغرافیای طبیعی) که لوازم بقای انسان را فراهم کرده دائماً بشر را نیز ناامن

می نماید. خشکسالی و بارش ناکافی و یا تغییرات آب و هوایی و بارش های نابهنگام و سیل آسا باعث ایجاد بحران آب شده و سبب ساز نابودی حیات موجودات زنده می گردد اما همین بحران های آبی با استفاده از علم و فناوری می تواند مدیریت گردد. روش هایی مثل سد سازی، کنترل سیلاب ها و ذخیره سازی آب در پشت سدها، از جمله این راههای مدیریتی هستند (عزتی و احمدی سیلوه، ۱۳۸۹).

بحران ذخائر حیاتی در بین کشورها، مولفه قابل توجه دیگری است که می تواند سبب ساز ایجاد بحران ژئوپلیتیکی میان دو کشور با وسعت منطقه ای و حتی بین المللی شود. به اعتقاد کارشناسان، منابع حیاتی و اقتصادی به عنوان برجسته ترین شاخص، در تنش های سرزمینی نقش مهمی ایفا می کنند (عزتی، ۱۳۸۰). این نوع تنش ها به آسانی ثبات سیاسی و اقتصادی بخش وسیعی از منطقه ای مورد مناقشه را متأثر می سازند. احتمال دارد چنین وضعیتی منجر به تغییر الگوی روابط منطقه ای و پیچیده تر شدن اوضاع شود، به عنوان نمونه، امروزه جنگ های پیرامون منابع حیاتی و اقتصادی و تأثیرات بین المللی آن ها را می توان در منطقه ای خاورمیانه (منطقه جنوب غربی آسیا) در قالب جنگ های هیدروپلیتیکی از جمله در حوزه رود نیل، حوزه دجله و فرات، رودخانه اردن و جنگ های اقتصادی در حوزه میادین مشترک انرژی و به تبع آن تنش های مرزی بین کشورهای منطقه مشاهده کرد (عزتی، ۱۳۸۰). در واقع، رقابت های منطقه ای بر سر تصاحب هر چه بیشتر منابع، از کانون های وقوع بحران بین المللی (ژئوپلیتیکی) به شمار می روند و چنین مناطقی نیز جزو مناطق حساس جهانی محسوب می شوند. تقلیل منابع به بحران منابع بویژه در جوامع با ریسک پذیری بالا معمولا با ریسک وقوع جنگ در وسعت منطقه ای همراه است (عزتی، ۱۳۸۳). به عنوان مثال، از دلایل جنگ ژوئن ۱۹۹۷ میلادی بین اعراب و رژیم صهیونیستی تصاحب بیشتر منابع حیاتی آب و زمین بود. به اعتقاد کارشناسان، روز به روز بر اهمیت تنش های بالقوه بر سر منابع حیاتی و منابع طبیعی مناطق افزوده می گردد؛ چرا که فشار ناشی از سرزمینسهم عرضه و تقاضا، موازی با رشد جمعیت و توسعه ی فعالیت اقتصادی در بسیاری از مناطق جهان، اشتباهی دسترسی به مواد حیاتی را نسبت به آن چه که طبیعت در اختیار کشورها قرار داده، بیشتر ساخته است. بنابراین، طبیعی است با تقلیل حاد منابع حیاتی و مواد خام، رقابت برای دسترسی به منابع بشدت رشد خواهد کرد و نتیجه ی آن جز تشدید جنگ ها و تنش های ژئوپلیتیکی بین حکومت ها نخواهد بود (قصاب زاده، ۱۳۹۱).

رویکرد مفهومی و نظری

در بررسی فرایند تکامل تئوری های آسودگی می بینیم که بحث آسودگی از مسائل سخت افزاری و نظامی به مسائلی مثل محیط زیست و اقتصاد کشیده شده است (میر حیدر، ۱۳۸۱). از جمله دلایل بی توجهی به مسائل زیست محیطی فوری نبودن ریسک این مسائل برای کشورهاست. در طول دوران غلبه جریان واقع گرایی بر مطالعات روابط بین الملل (حدوداً از اواخر دهه ۱۹۳۰ تا انتهای دهه ۱۹۷۰ میلادی) دایره مسائل آسودگی شدیداً محدود و مشخص بود که مشخصاً آن را بیشتر سخت افزاری و نظامی تلقی می کردند. به نحوی که معمولاً از مفهوم آسودگی با عنوان آسودگی ملی (سلبی و ایجابی) نام برده می شد. در دیدگاه سنتی (دیدگاه بسیط نسبت به آسودگی) دغدغه آسودگی، سخت افزاری و نظامی بود و متولی آسودگی هم حکومت. دیدگاه امروزی نسبت به آسودگی، موضوع آسودگی را تنها چالش های سخت افزاری و نظامی ندانسته (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۷۲). بر اساس دیدگاه مکاتب پساتوسعه، آسودگی تنها ناامن و مسائل سخت افزاری و نظامی نیست بلکه نیازهای مادی و معنوی انسانی و مسائل زیست محیطی را نیز در بر می گیرد. (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۴۳۹).

بوزان معتقد است که دیگر تنها مرجع آسودگی حکومت ها نیستند، بلکه افراد، گروه های فراملی، سازمان های غیرحکومتی فراملی و فرو ملی، رسانه و تروریسم همگی در وسعت و جوانب آسودگی به تنهایی و یا در کنار هم مسئول هستند. در خصوص چند بعدی بودن آسودگی، او بر این باور است که بایستی تأثیر فرهنگ، محیط زیست، تمدن و از همه مهم تر مذهب را فهمید. این یعنی تلاش بوزان و همکارانش این بوده است که به مسائل آسودگی از دایره تنگ مسائل سخت افزاری و نظامی خارج نمایند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۱).

اساساً از نظر اکثر تحلیلگران استفاده یا استفاده واقعی کردن از نیروی سخت افزاری و نظامی در چارچوب رشته فلسفه سیاسی قرار می گیرد اما در واقع مفهوم آسودگی، رشته ای فراتر از فلسفه سیاسی است و امروزه بسیاری از سازوکارهای مطرح شده در جوامع بشری از تنها سخت افزاری و نظامی نیستند؛ چالش هایی نظیر فرسایش محیط زیست، سازوکارهایی که آسودگی ملی کشورها و آسودگی جهانی (سلبی و ایجابی) را به ریسک می اندازد (عبدالله خانی، ۱۳۸۵: ۴۹۱).

منطقه خاورمیانه

خاورمیانه (منطقه جنوب غربی آسیا) مجموعه ای است از چند منطقه ژئوپلیتیک جداگانه و متمایز همانند خلیج فارس شامات، شمال آفریقا که هر یک به دلیل هماهنگی موجود در پدیده های

محیطی خود، یک منطقه مشخص و مستقل از دیگر مناطق است (مجهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۳۴). منطقه خلیج فارس با پشت سر گذاردن یک صد سال از اهمیت یافتن تاریخی به علت کشف و صدور نفت، وجود ذخایر گسترده انرژی و هم چنین تحولات در نظام های سیاسی، اقتصادی و بالتبع آسودگی در منطقه، در کانون توجه بسیاری از قدرت ها بوده است.

نقشه ۱: منطقه خاورمیانه



منبع: (<https://www.thelancet.com>)

در نیم قرن اخیر، بدون تردید، خلیج فارس یکی از مهم ترین و حساس ترین مناطق جهان در نگرش های ژئوپلیتیک و محاسبات استراتژیک بوده است و با توجه به دگرگونی های عمیق و جاری در سطح بین الملل، جنگ ها و درگیری های دو دهه اخیر، انقلاب ایران و مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل میتوان ادعا کرد که در قرن بیست و یکم به صورت مهم ترین کانون توجه نگرش ها و محاسبات استراتژیک (راهبردی) در آید و به تعبیر کلاسیک ژئوپلیتیک، هارتلند یا قلب زمین نام گیرد. علاوه بر این ها مشکلات ساختاری از قبیل عدم یکپارچگی و نیز ضعف ساختاری کشورهای منطقه و وابستگی آن ها به کشورهای قدرت مند خارج از منطقه، ضعیف بودن کشورها در تأثیرگذاری بر سیاست های بین المللی منطقه در قبال کشورهای دیگر، فعال نبودن مشارکت حکومت ها در تأمین آسودگی منطقه، وجود جنگ های مذهبی شدید، بی اعتمادی کشورهای منطقه نسبت به سیاست های حکومت های دیگر، دخالت عامل بیگانه و... در طول سالیان منجر شده است که

کشورهای منطقه هیچ گاه نتوانند با موفقیت و اعتماد به نفس درصدد پیش برد وضعیت آسودگی و نیز پیگیری منافع و اهداف خود با اتکا به نیرو و توان ملی بدون دخالت بیگانگان به مقاصد خود نائل شوند (مجتهدزاده، ۱۳۸۵).

وجود جو بی اعتمادی میان کشورها و عدم تمایل به پیمان‌های منطقه‌ای، زمینه هم‌کاری دوجانبه و یا چندجانبه میان حکومت‌ها و واحدهای اقتصادی منطقه را از میان می‌برد. به همین دلیل برخی از کشورهای منطقه برای دست‌یابی به اهداف منافع و نیز تأمین آسودگی خود، به قدرت‌های بزرگ فرامنطقه‌ای متوسل می‌شوند. نتیجه این سیاست ایجاد تنش در روابط حکومت‌های منطقه با یکدیگر، افزایش جو بی‌اعتمادی و دخالت فراگیر عامل بیگانگانه است. ظهور افکار ناسیونالیستی مانند پان‌عربیسم، پان‌ترکیسم و پان‌ایرانیسم و توطئه‌های بیگانگان و منفعت‌طلبان با ایجاد تفرقه میان مذاهب مختلف اسلامی، ضعف رهبران در سازماندهی و مدیریت امور جامعه و هم‌چنین وجود برخی حکومت‌های اقتدارگرا، این منطقه را تبدیل به کانونی از تحولات و تنش‌ها در دنیای کنونی کرده است. هم‌چنین بحران مشروعیت در کشورهای عربی و موج بیداری تحت تأثیر دموکراسی‌خواهی، درگیری‌های سیاسی و مذهبی درون منطقه‌ای، ناآرامی‌های اجتماعی و بی‌ثباتی سیاسی در اثر جنبش‌های آزادی‌خواهی از دیگر مولفه‌های آسیب‌پذیری کشورهای منطقه است. همه این مولفه‌های دست‌به‌دست هم می‌دهند تا کشورهای عرب منطقه در اثر تدابیر نادرست سیاسی، ضعیف‌ترین و با وجود منابع عظیم نفتی، وابسته‌ترین ملت کشورهای منطقه به خارج محسوب شوند. ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم و استراتژیک (راهبردی) در حوزه خلیج فارس (و خاورمیانه) و دریای خزر و با بهره‌مندی از منابع و توان لازم برای تسلط بر این منطقه همواره مورد امعان نظر حکومت‌های قدرتمند جهان بوده است. ایران به عنوان بزرگ‌ترین و ثروتمندترین کشور حوزه خلیج فارس (و خاورمیانه) و به عنوان یکی از بازیگران اصلی و کلیدی در وقایع مهم منطقه‌ای شناخته می‌گردد (مینایی، ۱۳۸۱).

موقعیت ژئواستراتژیکی (راهبردی) ایران که از طرف جنوب به خلیج فارس (و خاورمیانه) و کشورهای عربی و مسلمان حاشیه خلیج فارس (و خاورمیانه)، از طرف شرق و شمال شرق با کشورهای پاکستان، افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان و از ناحیه غرب و شمال غرب با عراق، سوریه، ترکیه، آذربایجان همسایه است بر قدرت این کشور و توان بالقوه بازیگری با نفوذ در عرصه معادلات منطقه افزوده است. حوزه گسترده تمدن اسلامی که درصد بسیار زیادی از منطقه

آسیای جنوب غربی را تحت نفوذ دارد و نیز گستره تمدن ایرانی که از شرق و شمال شرق تا مناطقی از غرب و شمال غرب را تحت تأثیر خود قرار داده، بر پتانسیل و توان ایران اسلامی در راستای بهره برداری از فرصت‌ها و مطرح کردن خود به عنوان قدرت هژمون منطقه می‌افزاید (میر حیدر، ۱۳۱۷).

فقدان مشروعیت داخلی و در نتیجه ضعف داخلی کشورهای جنوبی خلیج فارس و عدم اتکای آن‌ها به ملت‌هایشان از دو جهت منجر به آسیب وارد شدن به کشورهای منطقه می‌گردد. اول این که زمینه‌های همکاری و همگرایی را از بین می‌برد و باعث دور افتادن کشورها و موضع‌گیری در مقابل یک دیگر می‌گردد. دوم این که موجب حضور کشورهای قدرت مند برای برقراری آسودگی و پر کردن خلأ قدرت در این منطقه می‌باشد. این امر باعث شد که: «در میان مناطق جهان سومی، در دوران پس از جنگ جهانی دوم، تنها منطقه‌ای که با توجه به توانایی‌های بالقوه داخلی به شدت تحت نفوذ سیاسی و اقتصادی بین‌المللی قدرت‌های بزرگ باقی ماند، خاورمیانه (منطقه جنوب غربی آسیا) بود (اخباری و نامی، ۱۳۸۸).

جنگ‌های ایران و امارات متحده عربی بر سر جزایر ابوموسی و تنب کوچک و تنب بزرگ، از قبل انقلاب تا کنون و پشتیبانی شورای همکاری خلیج فارس (و خاورمیانه) از ادعای امارات از دیگر مولفه‌های اختلاف است. اختلاف درونی میان اعراب و جنگ‌های مرزی و مواضع ناهمگون در قبال مسئله اسرائیل از جمله مشکلات و موانع ساختاری در روابط اعراب است. جنگ‌های درونی میان کشورهای منطقه یکی از مهم‌ترین مولفه‌های ناامنی در منطقه است. این جنگ‌های هم در روابط ایران و اعراب و هم در روابط درونی اعراب مشهود است. روابط ایران و همسایگانش به شدت از جنگ‌های شیعه و سنی و ایدئولوژی‌های ناسیونالیستی رنج می‌برد. موارد دیگر اختلاف بر سر چیرگی و تسلط خاورمیانه بوده است که همواره میان ایران و عربستان و عراق (زمان صدام حسین) نوعی رقابت وجود داشته است.

یافته‌های توصیفی

به منظور شناسایی مشخصات یک پیام رسان بومی فراگیر با نگاه کاربر محور از روش فراتحلیل از نتایج ۱۳ پژوهش‌شناسایی شده در این خصوص استفاده خواهد شد. نتایج فراتحلیل این پژوهش‌ها به شناسایی مشخصات اقتصادی سیاسی بحران‌های ژئوپلیتیکی خاورمیانه از نگاه متخصصان جغرافیای سیاسی منجر خواهد شد. فراتحلیل یک نوع روش تحقیق کیفی است که در آن از روش‌های آماری و ریاضی استفاده می‌شود و در خصوص کیفیت تحقیق پیش‌دآوری نمی‌شود. روش

فرا تحلیل نباید با روش تحقیق فراترکیب اشتباه گرفته شود. جهت انجام فرا تحلیل در ابتدا باید حوزه‌های انتخاب گردد که نتایج مطالعات در آن حوزه دو پهلو و با ابهام همراه باشد. سپس مراحل ذیل به ترتیب انجام می‌پذیرد:

۱. شناسایی نتایج تحقیقات

۲. ترکیب نتایج تحقیقات انتخاب شده و مقایسه آن‌ها با یکدیگر

۳. ارزشیابی نتایج فراتحلیل

مطالعات علمی با روش فراتحلیل زمانی انجام می‌شود که چندین مطالعه علمی وجود داشته که همگی برحسب یک هدف یا بررسی وجود یک اثر (تیمار) صورت گرفته شده و بخواهیم نتایج و همچنین خطای آن‌ها را با یکدیگر مقایسه و نتیجه جدید به عنوان برآیند نتایج قدیم، حاصل نماییم. در جدول زیر پژوهش‌های شناسایی شده برای انجام فراتحلیل ذکر شده است. یادآوری می‌شود موارد بر اساس میزان ارتباط با موضوع تحقیق آورده شده است.

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهش‌گر	قالب انتشار	سال انتشار	محل انتشار
۱	مولفه های تأثیرگذار بر روابط ژئوپولیتیک ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس	یوسف زین العابدین	مقاله	۳۸۹	فصلنامه پژوهش‌های بوم شناسی شهری
۲	افراط گرایی فرقه ای در پاکستان و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران	مهــــــــــــدی ذوالفقاری	مقاله	۳۹۸	فصلنامه مطالعات شبه قاره
۳	جغرافیای انسانی شیعه در آستانه دوران غیبت	حسن حسین زاده شانه چی	مقاله	۳۸۴	فصلنامه شیعه شناسی
۴	ژئوپولیتیک مرزهای دریایی در خلیج فارس	اصغر جعفری ولدانی	مقاله	۳۹۵	فصلنامه روابط خارجی
۵	بررسی الگوی جدید همگرایی منطقه ای در آسیای جنوب غربی	زهرا پیشگاهی فرد	مقاله	۳۹۷	فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی
۶	مباحث استراتژیک: اهمیت ژئوپلیتیکی خلیج فارس	دره میرحیدر	مقاله	۳۶۹	فصلنامه سیاست خارجی
۷	انگلستان، کرزن و خلیج فارس	خلیل حقیقی	مقاله	۳۸۸	فصلنامه تاریخ روابط خارجی
۸	بررسی مولفه های و زمینه های مؤثر بر اسرزمین ظهور دوباره داعش در عراق	حســــــــــــین مسعودنیا	مقاله	۴۰۰	فصلنامه مطالعات بین المللی

۹	بررسی علل واگرایی در منطقه ی خلیج فارس	طاهره ابراهیمی فر	م	قاله	۳۷۸	۱	فصلنامه سیاست خارجی
۱۰	تحلیل جغرافیایی ژئواکونومی جمهوری اسلامی ایران در معادلات جدید منطقه جنوب غرب آسیا	محمد اخباری	م	قاله	۳۹۸	۱	فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی
۱	راهبرد ژئواکونومیک، یگانه راهبرد هم گرایی و اتحاد در منطقه خلیج فارس	هادی ویسی	م	قاله	۳۹۹	۱	فصلنامه آمایش سیاسی فضا
۱	آسودگی خلیج فارس و جایگاه استراتژیک ایران	علی رحیم پور	م	قاله	۳۸۹	۱	فصلنامه جغرافیای انسانی
۳	انگلیس و پروژۀ ایران زدایی از خلیج پارس	علی فرهمند	م	قاله	۳۸۴	۱	فصلنامه تاریخ روابط خارجی

جدول ۱: پژوهش های شناسایی شده برای انجام فراتحلیل

منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۱

یافته های تحلیلی

۱- شناسایی نتایج تحقیقات

جدول ۲: نتایج کلیدی به تفکیک پژوهش

پژوهش	نتایج کلیدی
زین العابدین (۱۳۸۹)	سیاست های بریتانیا، سیستم بین المللی پس از جنگ سرد، کشمکش های پس از پایان جنگ سرد، وضعیت اعمال نفوذ و تحمیل آمریکا بر منطقه به عنوان بازیگر اصلی فرامنطقه ای، سیاست های خارجی کشورهای بزرگ، کشورهای صنعتی غرب، کشورهای اروپایی، رقابت میان دو ابرقدرت، چتر حمایتی آمریکا، حمایت شوروی، یک جانبه گرایی آمریکا
ذوالفقاری (۱۳۹۸)	جنگ های تاریخی عمده میان ایران و اعراب، تحریف نام خلیج فارس، توطئه ی سیاسی جهت رسیدن به مقاصد ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی، گونه گونی ملیت ها و قومیت ها، ریشه دار نبودن کثرت گرایی و مهم تر از آن روشن نبودن مفاهیم صلح، آسودگی و ریسک، تفکرات مذهبی و ایدئولوژیکی کشورها.
حسین زاده شانه چی (۱۳۸۴)	چالش عمده ی فرهنگی ایرانیان و اعراب ناشی از اندیشه ی شیعه و سنی و معتزله و اشاعره و ... ، شیعه بودن ایرانیان، اهل تسنن بودن اکثریت اعراب، تفاوت های مذهبی در ایجاد تعارضات ژئوپلیتیکی در شمال و جنوب خلیج فارس، وجود اقلیت شیعه در کشورها حاشیه جنوبی خلیج فارس، خود برتر بینی متقابل اعراب و ایرانیان.

الگوی روابط درون منطقه بین کشورهای نظام به صورت سلسله مراتب، رقابت بین قدرت اول منطقه یعنی ایران و قدرت یا قدرت ها در سطح دوم منطقه عربستان سعودی، شورای همکاری خلیج فارس و عراق در بخش های مختلف رهبری منطقه.	جعفری ولدانی (۱۳۹۵)
استراتژی آسودگی کشورها بر مبنای تعارض، دشمن تلقی کردن کشور مقابل، برداشت های متفاوت و متعارض از مقوله آسودگی، استراتژی های آسودگی متفاوت و گاه متعارض، نبود راهبردهای مشترک آسودگی، وابستگی شدیدی به نیروهای فرامنطقه ای برای حفظ آسودگی	پیشگاهی فرد (۱۳۹۷)
استراتژی های آسودگی متفاوت و گاه متعارض را به ویژه بین ایران و کشورهای همسایه در خلیج فارس، شکل گیری دیدگاه های متفاوت به آسودگی در خلیج فارس، عدم مشروعیت داخلی و چه در زمینه آسودگی خارجی.	میرحیدر (۱۳۶۹)
شکل گیری دیدگاه های متفاوت به آسودگی در خلیج فارس، عدم مشروعیت داخلی و آسودگی خارجی، نبود همگرایی و همکاری جهت حل و فصل جنگ های مرزی.	حقیقی (۱۳۸۸)
اولویت منافع ملی و آسودگی کشورها، رفت و آمد زیاد کشتی ها، رقابت در بهره برداری از منابع مشترک، عدم تفاهم کشورهای حوزه خلیج فارس در زمینه مسائل حمل و نقل نفت و گاز.	مسعودنیا (۱۴۰)
جنگ های سیاسی، آداب و رسوم، تاریخ، ساختار حکومت ها و نهادهای ملی و بین المللی، ایرانی در مقابل عرب، جنگ های ناشی از حضور نیروهای مداخله گر	ابراهیمی فر (۱۳۷۸)
جنگ های ناشی از رقابت های ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه ای و جهانی، ضعف و قدرت حکومت مرکزی، داشتن سیاست خارجی متخاصم و چالش زبا با کشور همسایه، تعارضات متعدد در سیاست خارجی	اخباری (۱۳۹۸)
همگرایی و همکاری جهت حل و فصل جنگ های مرزی، نبود راهبردهای مشترک آسودگی، وابستگی شدید به نیروهای فرامنطقه ای برای حفظ آسودگی، استراتژی های آسودگی متفاوت و گاه متعارض ویژه بین ایران و کشورهای همسایه در خلیج فارس	ویسی (۱۳۹۹)
رقابت بین قدرت ها در منطقه، گسترش و تشدید جنگ های بین کشورهای حوزه خلیج فارس، مسابقه تسلیحاتی کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، استراتژی آمریکا مبنی بر توازن قوا در منطقه، رقابت منطقه ای در حوزه خلیج فارس	رحیم پور (۱۳۸۹)
فعالیت های احزاب پان عربیسم، ناسیونالیسم قومی در کشورهای عربی و کشور ایران، ورودی کم آب شیرین به خلیج فارس (۳۰)، ایجاد جزایر مصنوعی	فرهمند (۱۳۸۴)

منبع: یافته های پژوهش، ۱۴۰۱

۲- ترکیب و مقایسه نتایج تحقیقات

با مقایسه نتایج تحقیقات مورد مطالعه مهم ترین مشخصات اقتصادی سیاسی بحران های

صحرائی غربی، مصر و سودان شمالی، همچنین پاکستان با افغانستان و سوریه با رژیم صهیونیستی مورد واکاوی و وزن دهی قرار گرفته است (زین العابدین و همکاران، ۱۳۸۹).

- تنش با همسایگان و کشورهای منطقه

به طور متوسط در ۹۰ درصد از تحقیقات مورد مطالعه تضاد و رقابت‌های ایدئولوژیک، سیاسی، اقتصادی و سخت افزاری و نظامی کشورهای منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا با همسایگان بلافصل و دیگر بازیگران منطقه از مشخصات بحران‌های مهم این منطقه ذکر شده است. برخی از این تنش‌ها مانند تنش‌های عربستان با ایران، ترکیه، قطر، همچنین تنش‌های رو به رشد قطر با بحرین، امارات متحده عربی با ایران و ایران، مراکش و الجزیره، مصر و سودان، پاکستان و افغانستان، و رژیم صهیونیستی با ایران، اردن، لبنان، از جمله مهم‌ترین تنش‌های منطقه هستند که به وضعیت بحرانی رسیده‌اند (ذوالفقاری، ۱۳۹۸).

- نقض حقوق بشر

تقریباً ۱۰۰ درصد مطالعات انجام شده بر این مشخصه تأکید کرده‌اند. دیده بان حقوق بشر، در گزارشی اعلام کرد که وضعیت حقوق بشر در کشورهای حاشیه خلیج فارس بحرانی شده است و حکومت‌های خاورمیانه، مسئول یک سری از موارد آشکار نقض حقوق بشر بوده‌اند. در بین کشورهای بررسی شده؛ مصر، ایران، بحرین، عربستان سعودی، مراکش، پاکستان و افغانستان و قطر از جمله کشورهایی هستند که نقض حقوق بشر در آن‌ها به مرحله بحرانی رسیده است (حسین زاده شانه چی، ۱۳۸۴).

- عدم کنترل بر بخشی از زمین

۸۰ درصد از تحقیقات انجام شده در مورد موضوع مورد مطالعه این شاخصه را مهم دانسته‌اند. یکی از ارکان اصلی حکومت عبارت است از حاکمیت به معنای حق انحصاری حکومت برای نظارت بر تمامیت قلمرو ارضی خود است. لیبی، افغانستان، سوریه و مصر از جمله کشورهایی هستند که عدم کنترل بر بخش‌هایی از خاک آن‌ها، به بحرانی برای این کشورها تبدیل شده است (پیشگاهی فرد و علیزاده، ۱۳۹۷).

- فعالیت گروه‌های تروریستی

۶۰ درصد تحقیقات انجام شده به صورت صریح و یا تلویحی این مولفه را مهم دانسته‌اند. یکی از جریان‌هایی که در سال‌های اخیر و به ویژه پس از تحولات خیزش عربی نقش بسزایی در

سیاست های منطقه خاورمیانه ایفا کرده و هر روز بر دامنه گسترش نفوذ آن در منطقه افزوده می شود، جریان های سلفی گری تکفیری تروریستی است. در مورد بحران فعالیت گروه های تروریستی، باید گفت که لیبی، عراق، کویت و لبنان در وضعیت خوبی به سر نمی برند (میرحیدر، ۱۳۶۹).

- فعالیت احزاب سیاسی اسلام گرا

در ۸۵ درصد از مطالعات انجام شده کاربران بر این نکته تاکید داشته اند که یکی از بحران هایی که برخی از کشورهای منطقه با آن روبه رو هستند، بحث تنش میان حکومت های مرکزی سکولار با احزاب اسلام گرای فعال در این کشورها است. با دگرگونی های چند دهه اخیر خاورمیانه، به ویژه رویدادها و قیام های دموکراسی خواهی از آغاز ۲۰۱۱، شاهد علاقه مندی روز افزون محققان مطالعات خاورمیانه به بحث جامعه مدنی و روابط آن با حکومت ها بوده اند. عربستان سعودی، مصر و لیبی از جمله کشورهایی هستند که با چالش فعالیت احزاب تندروی اسلامی روبه رو هستند).

- وضعیت دموکراسی

در ۹۰ درصد از تحقیقات مورد مطالعه در این پژوهش یکی از دغدغه های همیشگی نسبت به نظام سازی در منطقه غرب آسیا، عدم وجود مدل سیاسی مطلوب برای کشورهای این منطقه بوده است. در مورد وضعیت دموکراسی، به نظر می رسد عربستان سعودی و سوریه و بحرین در بحرانی ترین وضعیت قرار دارند (حقیقی، ۱۳۸۸).

۲- اقتصادی

- بیکاری

در ۹۰ درصد از تحقیقات مورد مطالعه بر این مشخصه تاکید شده است. واقعیت آنست که کشورهای منطقه به لحاظ سطح بیکاری در وضعیت مناسبی قرار ندارند. عراق، عربستان سعودی، ایران، مراکش، پاکستان، افغانستان، عمان، اردن و بحرین از جمله کشورهایی هستند که معضل بیکاری در آن ها به سمت بحرانی شدن می رود (شفاعت و همکاران، ۱۴۰۰).

- بحران بدهی

به طور کلی در ۸۰ درصد از مطالعات انجام شده بر این ویژگی تاکید کرده اند. بحران بدهی زمانی رخ می دهد که یکی از وام گیرندگان عمده نتواند طبق برنامه ریزی مقرر انجام گرفته، اصل و

سود وام های دریافتی خود را پرداخت نماید. کویت، عراق، مصر، بحرین، لبنان و ترکیه از جمله کشورهایی هستند که بدهی های آن ها به مرز بحران رسیده است (ابراهیمی فر، ۱۳۷۸).

-وابستگی رانتی

۹۰ درصد از مطالعات انجام شده به صورت تلویحی و صریح به این ویژگی معتقدند. حکومت رانتیر به حکومتی گفته می شود که از منابع مستقل مالی به جز مالیات از جامعه برخوردار بوده و بنابراین با استقلال بیشتری می تواند سیاست ها و خواست های حکومتی را به اجرا گذارند. ۱۰ کشور قطر، ایران، کویت، افغانستان، لبنان، عربستان سعودی، مصر، عمان، اردن و بحرین با چنین وابستگی رانتی روبرو هستند (قصاب زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

۳-۱- اجتماعی

-فرقه گرایی

۹۰ درصد از تحقیقات مورد مطالعه بر این ویژگی تاکید شده است. احساس و تمایل فرقه ای که بیشتر به خاورمیانه ربط داده می شود، پدیده ای متأخر است. سلسله تحولات سیاسی و مذهبی که طی سال های گذشته کلید خورد، تفکر فرقه ای را خلق و سوخت آن را فراهم کرد. در این خصوص، به نظر می رسد که مصر، کویت، عربستان سعودی و بحرین در وضعیت بحرانی به سر می برند (ویسی، ۱۳۹۹).

-بحران هویتی

۷۰ درصد از تحقیقات مورد مطالعه این ویژگی را برجسته دانسته اند. بحران هویت به چالش های میان اقوام، عدم احساس وابستگی ملی و وجود تعلق خاطر فراملی/فراملی اطلاق می شود. فعال شدن شکاف های اجتماعی در خاورمیانه و سیاسی شدن آنها منجر به شکل گیری مجموعه ای از نیروهای هویت بنیاد زیرملی و فراملی شده است که از انگیزه لازم برای ادغام در نظم حکومت - ملت برخوردار نیستند. در خصوص بحران هویت، ۹ کشور ایران، سوریه، پاکستان، اردن، مراکش، لیبی، افغانستان، لبنان و عراق در سطوح مختلف با این بحران دست به گریبان هستند (رحیم پور، ۱۳۸۹).

-مشکلات جمعیتی

۷۰ درصد از تحقیقات مورد مطالعه این ویژگی را مهم دانسته اند. مجموع مولفه هایی نظیر رشد بالا یا پایان جمعیت، وابستگی به نیروی کار خارجی، توزیع نامتقارن جمعیت میان شهر و روستا

و نابرابری در تراکم جمعیت، بحران مشکلات جمعیتی را تشکیل می دهد. در خصوص بحران جمعیتی، ۷ کشور عراق، عربستان سعودی، مصر، کویت، بحرین، قطر و لبنان، بحرانی شناسایی شده اند (فرهمنده، ۱۳۸۴).

- پناهندگان و آوارگان داخلی

۷۵ درصد از تحقیقات مورد مطالعه در این پژوهش این ویژگی را مهم دانسته اند. این بحران به مهاجرت گروه بزرگی از آوارگان اشاره دارد که شامل آوارگان داخلی، پناهندگان و سایر مهاجران می شود و می تواند ناشی از حوادث، تنش های و مشکلات بزرگ پناهندگان در کشور مبدأ یا محل خروج یا هنگام حرکت و حتی پس از ورود گروه های بزرگی از آوارگان به یک کشور امن شود. شهروندان سوریه، افغانستان، سودان جنوبی، میانمار و سومالی سر جمع، دوسوم جمعیت پناهندگان جهان را تشکیل می دهند. بررسی ها نشان می دهد ترکیه، لبنان، اردن، پاکستان، عمان، کویت، افغانستان و سوریه با بحران پناهندگان دست به گریبان هستند (اخباری و نامی، ۱۳۸۸).

- فرار مغزها

۸۵ درصد از تحقیقات مورد بررسی در این مقاله به این ویژگی معتقدند. مهاجرت بین المللی افراد با مهارت و سطح تحصیلات بالا از قبیل پزشکان و مهندسان از کشورهای با درآمد پایین به کشورهای مرفه، امری است که از آن با «فرار مغزها» یاد می شود. نتایج بررسی محققان نشان می دهد که کشورهای ایران، اردن، لبنان، ترکیه و امارات متحده عربی کشورهای متضرر از فرار مغزها بوده اند (اعظمی، ۱۳۸۵).

۴- زیست محیطی

- آلودگی هوا

این ویژگی به صورت تلویحی در ۹۵ درصد از تحقیقات مورد مطالعه به عنوان مشخصه بحران های ژئوپلیتیک منطقه ذکر شده است. به گفته محققان موسسه ماکس پلانک، خاورمیانه منطقه ای است که مشکلات سیاسی متعدد و درگیری های مسلحانه زیادی را به سوی خود جذب می کند و نتیجه این مطالعه نشان می دهد درگیری های مسلحانه و جغرافیای سیاسی بر تغییر میزان انتشار گازهای آلوده و آلودگی هوا تاثیر دارد. در خصوص بحران آلودگی هوا، تحلیل ها نشان می دهد که اکنون مصر، عمان، افغانستان، عراق، ایران و پاکستان دارای بیشترین میزان آلودگی هوا هستند (حافظ

نیا، (۱۳۸۵).

- بحران آب

۸۵ درصد از تحقیقات مورد بررسی در این مقاله معتقد به این مشخصه هستند. خاورمیانه و شمال آفریقا (منطقه منا) کم آب ترین منطقه جهان است، به طوری که ۱۷ کشور از این منطقه زیر خط فقر آبی تعیین شده توسط سازمان ملل قرار دارند. بر اساس تحقیق صورت گرفته، کشورهای که بیش از دیگر کشورهای خاورمیانه با تنش آبی و بحران آب روبرو هستند عبارتند از: مصر، مراکش، سوریه، عراق، لبنان، عربستان سعودی، کویت، عمان، اردن، ایران، افغانستان و پاکستان. تراکم کشورهای نفت خیز با اوضاع متشنج و ضعف داخلی، متکی بودن به قدرت های خارجی، مجاورت ژئوپلیتیکی با پاکستان و افغانستان و نیز تمایز عمده در بافت و ساختار سیاسی - اقتصادی خلیج فارس (و خاورمیانه) از ویژگی های متمایز این منطقه در مقایسه با سایر مناطق حوزه خاورمیانه (منطقه جنوب غربی آسیا) است. منظور تنش میان کشورها بر سر حقا به و تقسیم عادلانه آب است. در این راستا چند حوزه آبریز مشترک بین ایران و افغانستان، ترکیه، سوریه و عراق، همچنین حوزه مشترک بین مصر، سودان شمالی و اتیوپی، موقعیت های تنش زای آبی در منطقه هستند (حافظ نیا، ۱۳۸۱).

نتیجه گیری

اگر بخواهیم مولفه های سرزمینی - فضایی موثر بر بحران های خاورمیانه را دسته بندی کنیم، باید بگوییم که برخی از این مولفه های در حوزه طبیعت (جغرافیای طبیعی) است؛ شاید مهم ترین عامل از نظر طبیعت (جغرافیای طبیعی)، اقلیم است. کمربندی که جهان اسلام را در روی کره زمین در بر گرفته است، به لحاظ اقلیمی کمربند خشک است. اما فارغ از مولفه های طبیعت (جغرافیای طبیعی) (که شاید بتوانیم بگوییم عامل آن انسانی نیست و انسان در آن دخالتی ندارد) مولفه های دیگری در بحران خاورمیانه تاثیرگذار هست و یکی از مهم ترین آن ها موقعیت جغرافیایی خاورمیانه است. از دید ژئوپلیتیکی گفته می شود که خاورمیانه در جایی قرار گرفته است که مرکز عالم است. به باور بعضی از ژئوپلیتیسین ها، موقعیت خاصی (که خاورمیانه را در بر گرفته است و در مرکز نقشه های محیط جغرافیایی قرار گرفته است) خود از مولفه هایی است که کشورهای قدرتمند جهان را تشویق می نماید که نگاه ویژه ای به این منطقه داشته باشند. چنانچه از دیرباز این منطقه کانون توجه قدرت های استعماری بوده و همچنان هم ادامه دارد. لذا عامل دوم را می توانیم موقعیت جغرافیایی خاص

خاورمیانه به عنوان عامل سرزمینی که باعث بحران و ناآرامی و آشوب می گردد در نظر بگیریم. عامل دیگری که باعث این مسئله شده است، مسائل منابع انرژی و کمپایی است که در دنیا وجود دارد و بخشی از آن در خاورمیانه پراکنده شده و به وفور پیدا می گردد، از جمله نفت و گاز که قلب تپنده صنعت جهان و موتور محرکه صنعت جهان است. همین باعث شده است که کشورهای بزرگ جهان چشم طمع به منابع انرژی این منطقه داشته باشند و به بهانه و یا به دلیل به دست آوردن منابع انرژی دخالت های پیدا و پنهانی در این منطقه داشته باشند. به همین نسبت سایر منابع جغرافیایی و معدنی هم به شکل نابرابر پراکنده شده است. عامل دیگری که شاید انسان ساخت است، مرزهای جغرافیایی است که به عنوان عامل ناامن و تنش در این منطقه است. در واقع گرچه بحرانی که اکنون خاورمیانه درگیر آن شده، خیلی بحران مرزی نیستند، به هر صورت جنگ های مرزی و سرزمینی که در خاورمیانه وجود دارد هم گاه و بی گاه عاملی برای بحران ژئوپلیتیکی هستند که در خاورمیانه وجود دارد.

نقش هر کشور در سیاست ملل و حوزه فعالیت آن در رشته فلسفه سیاسی، بیش تر تابع موقعیت محیط جغرافیایی و ارتباط آن با کشورهای همسایه (قدرتمند یا ضعیف) و نیز نقش آن در رقابت بین قدرت های بزرگ جهانی است. کشوری که دارای موقعیت ممتاز سیاسی - محیط جغرافیایی است، در صورتی که با توجه به اصول و مبانی جغرافیای سیاسی، به صورت کارآمد و مثبت وارد صحنه بین المللی شود، موجب اقتدار و عزت بین المللی آن کشور می گردد، وگرنه موقعیت محیط جغرافیایی و راهبردی در جهت عکس عمل می نماید و بحران آفرین می گردد؛ زیرا با توجه به مهارت های انسان در بازی های بین المللی و تحول فن آوری، امروزه دیگر سیاست های محیط جغرافیایی صرفاً به مفهوم یا اصطلاح رقابت راهبردها در سطح جهان نیست، بلکه مجموعه پیچیده ای از نیروهای متخاصمی است که بر سرزمین هایی با وسعت کوچک به نزاع و رقابت می پردازند و هدفشان، یا اثبات تفوق سیاسی خود است یا بیرون راندن رقیب یا رقبای خود از صحنه. به نظر می رسد افغانستان که امروزه کانون بحران گشته، متأثر از چنین طرز تفکری حاکم بر رشته فلسفه سیاسی است.

موقعیت ایران در خلیج فارس و همچنین به دلیل قرارگیری در کانون تولید انرژی حائز جایگاه راهبردی است که نظام بین الملل و تحلیل ژئوپلیتیکی جهان را به شدت تحت الشعاع قرار داده است. در حال حاضر ایران قدرت درجه ی یک منطقه است و برای تدوین سیاست خارجی خود اوضاع و

شرایط منطقه را مد نظر قرار می‌دهد. چنانچه همگرایی منطقه‌ای در خلیج فارس، منطقه را از سیر به سوی بحران محافظت کند، جمهوری اسلامی ایران نیز با مد نظر قرار دادن این منطق ژئوپلیتیکی، کماکان در تلاش است منطقه را در مسیر همگرایی رهبری کند. در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران به دلیل اشراف به پتانسیل های تجاری همسایگان شمالی خود از طریق عضویت در سازمان همکاری های اقتصادی (اگو) زمینه لازم برای ترغیب کشورهای منطقه خلیج فارس به سمت و سوی همگرایی منطقه ای با همکاری کلیه اعضا را دارا می باشد. لذا ایران تنها کشوری است که توان و موقعیت کالبدی و پیوند خلیج فارس به عمق منطقه جنوب غرب آسیا را داراست و این همان چیزی است که عده ای از صاحب نظران از آن به عنوان (تبدیل جغرافیا به قدرت) یاد می کنند و منطقه خلیج فارس بدلیل همگن تر بودن و ماهیت اقتصادی در نظام بین الملل از دیدگاه علم ژئوپلیتیک، خود را به عنوان یک منطقه مؤثر ژئوپلیتیکی معرفی می نماید. ایران به عنوان کشوری که ایده همگرایی منطقه جنوب غربی آسیا را به عنوان استراتژی بلند مدت خود مدنظر قرار می دهد با تحکیم موقعیت خود در جنوب غرب آسیا و خلیج فارس جایگاه خود را ارتقاء می بخشد؛ زیرا ایران بزرگترین شریک و شاهرگ جنوب آسیا (خلیج فارس) محسوب می شود. در واقع ارتقاء جایگاه ایران در خلیج فارس با پیوند این دو منطقه با کل پیکره جنوب غرب آسیا محقق می شود. چرا که حضور کشورهای جنوب آسیا در خلیج فارس از طریق خاک ایران باعث ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی خلیج فارس و متفع شدن کشورهای جنوب غرب آسیا و به طبع آن ارتقاء جایگاه ژئوپلیتیکی ایران در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس و نظام بین الملل تلقی می شود. با توجه به اینکه، منطقه ژئوپلیتیکی عبارت است از بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی همجوار اعم از فضای خشکی یا آب یا تلفیقی، که بر اساس ترکیب مولفه های سیاسی و کالبدی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از سایر مناطق و نواحی مجاور متمایز گردد. مانند منطقه خلیج فارس. منطقه ژئوپلیتیکی در فرایند تکاملی خود به سازه ژئوپلیتیکی تبدیل می شود، در این حالت نیروهای سیاسی منطقه و غیر منطقه ای فعال شده و فرآیندهای همگرایی یا واگرایی و کشمکش یا همکاری توسعه می یابد. در صورت غلبه نهایی نیروهای همگرا بر نیروهای واگرا سازمان منطقه ای شکل می گیرد و تاسیس می شود.

کتابنامه

۱. ابراهیمی فر، طاهره. (۱۳۷۸). "بررسی علل واگرایی در منطقه ی خلیج فارس". فصلنامه سیاست خارجی. شماره ۵۰.
۲. اخباری، محمد و نامی، محمد حسن. (۱۳۸۸). *جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران*. تهران: سازمان جغرافیایی (محیطی) نیروهای مسلح.
۳. اعظمی، هادی. (۱۳۸۵). "وزن ژئوپلیتیکی و نظام قدرت منطقه ای (بررسی موردی: جنوب غربی آسیا)". *فصلنامه ژئوپلیتیک*. سال دوم. شماره سوم و چهارم.
۴. پیشگاهی فرد، زهرا و عمران علیزاده. (۱۳۹۷). "بررسی الگوی جدید همگرایی منطقه ای در آسیای جنوب غربی". *فصلنامه مطالعات آسیای جنوب غربی*. سال اول، شماره ۱.
۵. جعفری ولدانی، اصغر. (۱۳۹۵). "ژئوپولیتیک مرزهای دریایی در خلیج فارس". *فصلنامه روابط خارجی*. سال هشتم، شماره ۱.
۶. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد: مؤسسه ی چاپ و انتشارات استان قدس رضوی.
۷. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: انتشارات سمت.
۸. حافظ نیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*. مشهد، پایلی.
۹. حسین زاده شانه چی، حسن. (۱۳۸۴). "جغرافیای انسانی شیعه در آستانه دوران غیبت". *فصلنامه شیعه شناسی*. شماره ۱۰.
۱۰. حقیقی، خلیل. (۱۳۸۸). "انگلستان، کرزن و خلیج فارس". *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*. شماره ۴۱.
۱۱. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت. (۱۳۷۲). *نظریه های متعارض در روابط بین الملل*. (وحید بزرگی و علیرضا طیب). تهران: انتشارات قومس.
۱۲. ذوالفقاری، مهدی. (۱۳۹۸). "افراط گرایی فرقه ای در پاکستان و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران". *فصلنامه مطالعات شبه قاره*. سال یازدهم. شماره ۳۶.
۱۳. رحیم پور، علی. (۱۳۸۹). "امنیت خلیج فارس و جایگاه استراتژیک ایران". *فصلنامه جغرافیای انسانی*. سال سوم، شماره ۱.
۱۴. روشندل، جلیل. (۱۳۷۴). *امنیت ملی و نظام بین الملل*. تهران، سمت.

۱۵. زین العابدین، یوسف و زهرا شیرزاد و نسیم جوکار. (۱۳۸۹). "عوامل تأثیرگذار بر روابط ژئوپولیتیک ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس." *فصلنامه پژوهش های بوم شناسی شهری*. سال اول. شماره ۲.
۱۶. شفاعت، محمدرضا و همکاران. (۱۴۰۰). "بررسی عوامل و زمینه های مؤثر بر امکان ظهور دوباره داعش در عراق." *فصلنامه مطالعات بین المللی*. ۱۸(۲)، ۱۰۱-۱۱۹.
۱۷. عبد اله خانی، علی. (۱۳۸۳). *نظریه های امنیت*. انتشارات ابرار معاصر تهران، ج، ۱.
۱۸. عزتی عزت الله. (۱۳۸۰). ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم. تهران: سمت.
۱۹. عزتی، عزت الله و احمدی سیلوه، جمال. (۱۳۸۹). "تحلیل فضایی بحران قومیتها در خاورمیانه (منطقه جنوب غربی آسیا): مطالعه موردی کردهای ایران." *فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی*. سال دوم. شماره دوم.
۲۰. عزتی، عزت الله. (۱۳۸۰). ژئوپولیتیک. تهران: انتشارات سمت.
۲۱. عزتی، عزت الله. (۱۳۸۰). ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم. تهران: سمت.
۲۲. عزتی، عزت الله. (۱۳۸۳). ژئواستراتژی. تهران: سمت.
۲۳. فرهمند، علی. (۱۳۸۴). "انگلیس و پروژه ایران زدایی از خلیج فارس." *فصلنامه تاریخ روابط خارجی*. شماره ۲۲.
۲۴. قصاب زاده، مجید و همکاران. (۱۳۹۸). "تحلیل جغرافیایی ژئوآکونومی جمهوری اسلامی ایران در معادلات جدید منطقه جنوب غرب آسیا." *فصلنامه نگرش های نو در جغرافیای انسانی*. سال دوازدهم. شماره ۱ (پیاپی ۴۵).
۲۵. قصاب زاده، مجید. (۱۳۹۱). جایگاه ژئوآکونومی ایران در منطقه خاورمیانه (منطقه جنوب غربی آسیا) بزرگ. جلد دوم. رشت (دانشگاه آزاد اسلامی). ایران.
۲۶. مجتهدزاده، پیروز و رشیدی نژاد، احمد. (۱۳۸۹). "تحلیل ژئوپولیتیک سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران." *فصلنامه ژئوپولیتیک*. سال هفتم. شماره دوم، صص ۳۶-۱.
۲۷. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۷۹). *ایده های ژئوپولیتیک و واقعیت ایرانی*. تهران: نشر نی.
۲۸. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۹). *سیاست های مرزی و مرزهای بین المللی ایران*. (حمیدرضا ملک محمدی). تهران: انتشارات سمت.

۲۹. مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۵). *کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس*. (حمید رضا ملک محمدی نوری). تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۳۰. میرحیدر، دره. (۱۳۶۹). "مباحث استراتژیک: اهمیت ژئوپلیتیک خلیج فارس." *فصلنامه سیاست خارجی*. شماره ۱۳ و ۱۴.
۳۱. مینایی، مهدی. (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی ایران*. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۳۲. میرحیدر، دره. (۱۳۵۷). *اصول و مبانی جغرافیای سیاسی*. تهران: امیر کبیر.
۳۳. میرحیدر، دره. (۱۳۵۷). *مبانی جغرافیای سیاسی*. تهران: سمت.
۳۴. میرحیدر، دره. (۱۳۶۷). "جغرافیای سیاسی طرح‌های تفکیک تردد در خلیج فارس و تنگه هرمز." *فصلنامه سیاست خارجی*. شماره ۴.
۳۵. میرحیدر، دره. (۱۳۸۱). *مبانی جغرافیای سیاسی*. تهران: سمت.
۳۶. ویسی، هادی. (۱۳۹۹). "راهبرد ژئواکونومیک، یگانه راهبرد هم‌گرایی و اتحاد در منطقه خلیج فارس." *فصلنامه آمایش سیاسی فضا*. دوره دوم، شماره ۸.